

## کرونا عبدالمجید ارفعی را به بیمارستان کشاند

یکی از نزدیکان و دوستان عبدالمجید ارفعی خبر داد که این متخصص زبان‌های باستانی در طول هفته گذشته به ویروس کرونا دچار شده و دوام آن در بیمارستان بستری است. هادی صدیقی با بیان اینکه پروفیسور ارفعی در هفته گذشته به ویروس کرونا مبتلا شده و در منزل تحت مراقبت بوده است، اظهار کرد: ایشان متأسفانه به دلیل نداشتن حال‌شان، از روز جمعه، دوم آبان در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان مسیح دانشوری بستری شده‌اند. در همین راستا روز گذشته هادی صدیقی با بیان اینکه



سطح اکسیژن خون ارفعی دچار نوسان شده بود و حدود ۷۰ درصد افت داشت، گفت: «خوشبختانه امروز سطح اکسیژن خون وی بالای ۸۰ نگه داشته شده و تا حدودی کنترل شده است.» او با تشکر از همراهی کادر بیمارستان مسیح دانشوری برای رسیدگی کامل به پروفیسور ارفعی، افزود: او حالش پایدارتر شده و اکنون زیر اکسیژن است. به گفته صدیقی، همسر عبدالمجید ارفعی، مامسما فاتحی نیز که به دلیل ابتلا به کرونا دچار افت اکسیژن خون است، در همان بیمارستان

## نقدی بر رفتار کارگردان و تیم تولید فیلم سینمایی «مست عشق» پیرامون همکاری با سرمایه‌گذار ترکیه‌ای برای ساخت این فیلم

### عبرت بگیریم!



آفتاب یزد - یوسف خاکیکیان: طی روزهای گذشته اخبار مختلفی پیرامون اکران جهانی فیلم سینمایی «مست عشق» به کارگردانی حسن فتحی در فضای مجازی و خبرگزاری‌های منتشر شد که از این موضوع حکایت می‌کند که طرف سرمایه‌گذار ترکیه‌ای که بنا بر اظهارات فرهاد توحیدی یکی از نویسندگان فیلمنامه «مست عشق» تنها یک چهارم سرمایه این پروژه نسبتاً عظیم سینمایی را تأمین کرده، یکجانبه و بدون در نظر گرفتن طرف ایرانی و حتی بدون اینکه متوجه باشد پروژه به دلیل شرایط کرونايي هنوز به پایان نرسیده و به قول کارگردان این فیلم ۸ سکانسش باقی مانده است. با اعلام پایان پروژه تصمیم گرفته فیلم را از سوی کشور ترکیه اکران جهانی نماید و اینگونه هم مرتکب یک کار غیر حرفه‌ای شود و هم اینکه بر این ادعای کشور ترکیه که مولانا اساساً یک شاعر ایرانی نبوده و از ابتدا ترک زبان بوده، صحنه گذارد. هر چند که واکنش‌های بعضاً عجیبی مانند واکنش ویدئویی که حسن فتحی به عنوان کارگردان این فیلم مبنی بر شایعه بودن این ماجرا پس از اعلام تصمیم سرمایه‌گذار ترکیه‌ای منتشر شد و پشت بند آن فرهاد توحیدی به عنوان یکی از نویسندگان و هم‌منظور مه‌ران برومند به عنوان تهیه‌کننده این فیلم سینمایی پیرامون این موضوع که کشور ترکیه و اساساً سینمای ایران سرزمین قانوناً حق اجرائی کردن چنین تصمیمی را ندارند و اگر چنین رفتار غیر حرفه‌ای را انجام دهند با اعتراض و شکایت طرف ارضی به مجتمع مصالح بین‌المللی مواجه خواهند شد، رسماً موضوع هنرمندان ایرانی را به این تصمیم سرمایه‌گذار ترکیه‌ای اعلام کردند، اما به نظر می‌رسد چند نکته بسیار مهم در این ماجرا وجود دارد که نه آقای کارگردان و نه تیم ایرانی سازنده فیلم سینمایی «مست عشق» در ابتدای راه تولید این فیلم به هیچ‌کدام از آنها توجه نکرده‌اند و شوربختانه همین عدم توجه در حالیکه طرف ایرانی اعلام می‌کند که فیلمبرداری «مست عشق» هنوز پایان نیافته، طرف ترکیه‌ای تقریباً پروژه را پایان یافته می‌داند و حتی زمان تقریبی اکران جهانی این فیلم را نیز اعلام کرده، موجب بروز مسئله‌ای شده است. این در حالیست که طبق روال همیشگی هیچ‌کدام از مسئولان سینمایی غیر سینمایی، فرهنگی و حتی سیاسی هیچ واکنشی را به این موضوع نشان نداده‌اند. در حالی که همه ما می‌دانیم به این دلیل که مولانا یک شاعر ایرانی بوده و این فیلم نیز درباره بخشی از زندگی این شاعر توانای ایرانی به تصویر کشیده شده، این موضوع یک مسئله ملی است و اگر با واکنش‌های جدی مواجه نشود طرف ترکیه‌ای را نسبت به اقدامی که می‌خواهد انجام دهد مستمتر می‌کند. در ادامه به نکات بسیار مهمی که پیشتر درباره آنها گفتیم، اشاره خواهیم کرد.

۱- فرصت سوزی یکی از ویژگی‌های ما ایرانی‌هاست. چه آنکه تجربه نشان داده زمانی که کار از کار گذشته ما تازه از خواب بیدار می‌شویم و درحالیکه با دستمان چشمان را می‌مالیم، «چه اتفاقی افتاده؟ امکان ندارد چنین اتفاقی افتاده باشم، ما اجازه نمی‌دهیم» نمونه بارز این موضوع خبری است که همین چند روز پیش درباره ادعا و اقدام کشور ترکیه مبنی بر تلاش برای اکران جهانی خوشنویسی اسلامی به نام خودش منتشر شد. اقدامی که تازه پس از رسانه‌ای شدن، واکنش چند هنرمند خوشنویس و البته تنی چند از مسئولان را به همراه داشت. در حالیکه همه جهان دریافته‌اند که ترکیه تصمیم به این کار دارد و این مسئله تا همین جا هم یک قدم مثبت برای کشور ترکیه تلقی می‌شود. این موضوع درباره فیلم سینمایی «مست عشق» نیز عیناً تکرار شد و پس از رسانه‌ای شدن تصمیم ترکیه، تازه آقای فتحی که به قول سرمایه‌گذار ترکیه‌ای به مدت ده ماه هیچ سرزایی از پروژه سینمایی «مست عشق» که باید عنوان کنیم صاحب اصلی‌اش اوست چرا که به نام این کارگردان در مجتمع بین‌المللی مصالح‌ساخته خواهد شد، نگرش از خواب بیدار شده و می‌گوید: «این مسئله شایعه‌ای بیش نیست.» این در حالیست که با هر هنرمندی که صحبت می‌کنی اولین جمله‌ای که می‌گوید این است که «این فیلم‌سازان سینمای ایران علاقه‌مند شده‌اند خودم می‌دونم» یا این تقصیر باید از آقای کارگردان پرسید که چگونه می‌شود پدری سرراغ فرزندان را به مدت ده ماه نگیرد و از او بی‌اطلاع باشد.

۲- جدا از مسئله فرصت سوزی (که اگر به همین یک مورد توجه کنیم دیگر شاهد بروز چنین اتفاقاتی در عرصه جهانی به ضرر ملت ایران نخواهیم بود) مسئله دیگری وجود دارد. اینکه طبق اظهارات فرهاد توحیدی متأسفانه تمام راش‌های فیلم در اختیار طرف ترکیه‌ای است. به نظر شما آیا این فاجعه نیست؟ یک تیم ایرانی که مجموعه‌ای از بهترین‌های سینمای ایران در آن حضور دارند برای تولید یک پروژه مشترک با یک تیم

## جایزه برای «جنایت بی‌دقت»

شهرام مکرری موفق شد هوگوی نقره‌ای جشنواره شیکاگو را برای فیلم «جنایت بی‌دقت» به تهیه‌کنندگی نگار اسکندرفر به دست آورد. به این ترتیب سینمای ایران بعد از عزت‌الله انتظامی، جعفر پناهی و اصغر فرهادی برای چهارمین بار از بخش اصلی جشنواره شیکاگو جایزه گرفت. به گزارش صبا، این فیلم مضمونی مرتب با سینما دارد و درباره تماشاگرانی است که قبل از شروع اکران فیلمی در سینما درباره آن حرف می‌زنند.

## هنرمندان

### عباس معیری مینباتور مرگ را کشید

عباس معیری، مینیاتوریست ایرانی، نقاش و مجسمه‌ساز سرشناس، بامداد روز شنبه ۳ آبان/ ۲۴ اکتبر، در بیمارستان «سن ژوزف» پاریس درگذشت. در گزارش رادیو فرانسه آمده است، دل‌بستگی و دلدادگی به فرهنگ سرزمین خود در او چنان بود که می‌گفت پس از پنجاه سال زندگی در فرانسه «هنوز هم هنگامی که چشم بر هم می‌گذارم، طلوع یا غروب خورشید در تخت جمشید در نظرم پدیدار می‌شود». تخت جمشید که یادآور ابتدا و انتهای کار بازیگری او در ایران است، خمیرمایه ابدی شیوه کار او در نقاشی و پیکرتراشی نیز شد.

عباس معیری، سال ۱۳۱۸ خورشیدی در شهر رشت به دنیا آمد. پس از دریافت دیپلم «هنرهای سنتی» از هنرستان هنرهای زیبای تهران به دانشکده هنرهای تزئینی رفت و پس از شش سال آموختن اسما واقعا سینمای ترکیه که خودشان اذعان دارند سینمای ایران موجب فخر و مباهات آنهاست چه دارد که کارگردانی مانند حسن فتحی یا آن سابقه خوب و درخشان در تولید آثار تصویری برای تولید یک پروژه کاملاً ایرانی راضی به همکاری با آنها می‌شود؛ و به جز یک دلیل که آن هم قرار گرفتن مزار مولانا در شهر قونیه ترکیه است آیا می‌توان دلیل دیگری برای چنین همکاری‌ای پیدا کرد؟ و آیا این دلیل موجهی برای صورت گرفتن یک همکاری است؟ آیا نمی‌شد تمام صفر تا صد تولید پروژه ایرانی باشند و تنها برای ضبط لوکیشن‌هایی (مانند مزار مولانا) «اگر در فیلم باشند» که در مکانشان ترکیه است به این کشور سفر کرد و فیلمبرداری را انجام داد؟ آیا در صورت انجام چنین کاری اکنون راش‌های «مست عشق» دست خودمان نبود؟ وقتی ما می‌توانیم لوکیشن مکه را برای سریال «مختارنامه» بسازیم نمی‌توانیم لوکیشن‌های مورد نظرمان را برای فیلم سینمایی مانند «مست عشق» بسازیم؟ چطور ممکن است؟ دقیقاً معلوم نیست که علت همکاری سینمای ایران با سینمای ترکیه برای تولید فیلمی مانند «مست عشق» چه بوده که حال این اوضاع و احوال برای چنین پروژه‌ای شبیه آمده است؟ وقتی ما خودمان پتانسیل تولید هر نوع سریال و فیلم سینمایی را داریم چرا باید افتخار جهانی چنین تولیداتی را به کشورهای دیگر شریک شویم؟ برای حضور بهتر سینمای ایران در مجامع بین‌المللی؟ برای اینکه بگوییم ما به عنوان یک کارگردان یا تهیه‌کننده انقدر کارمان خوب شده که مرزهای سرزمینمان را در نوردیده و به هنرمندی بین‌المللی تبدیل شده ایم؟ یا چون سینما در دنیا به سمت تولیدات مشترک می‌رود ما هم برای اینکه از این قافله عقب نمانیم دست به چنین همکاری‌هایی می‌زنیم؟

۵- آنچه مسلم است اینکه تا چند وقت دیگر سرنوشت «مست عشق» روشن خواهد شد. با طرف ترکیه‌ای موفق می‌شود حرفش را به کرسی بنشاند و فیلم را علیرغم اینکه تعدادی از سکانس‌های باقیمانده در دنیا اکران کند و سند دیگری را مبنی بر خبر کذب ترکیه‌ای بودن مولانا به مجامع جهانی ارائه کند که در صورت رخ دادن چنین اتفاقی ما ایرانیان سرشنده سینما و ادیبانمان خواهیم شد و با طرف ایرانی با گفت‌وگوهای مختلف طرف ترک را متقاعد خواهد کرد که در همکاری‌های مشترک خصوصاً زمانی که وزن سرمایه‌ای یک طرف (هم به لحاظ محتوایی، هم به لحاظ نیروی انسانی و هم به لحاظ منابع مالی) بیشتر است، تمام مسائل باید مورد رضایت دو طرف باشد و این همکاری تا پایان ادامه داشته باشد و به این صورت خطر اکران جهانی «مست عشق» توسط ترکیه و به نام ترکیه منتفی خواهد شد و یا اتفاق دیگری که امروز نمی‌توان آن را پیش‌بینی کرد رخ خواهد داد. اما آنچه مهم است اینکه همه ما باید به درس‌هایی که روزگار در طول تاریخ به ما می‌دهد توجه کنیم و از تک‌تک آنها عبرت بگیریم. درس‌هایی که روزگار گاه بابتش چیزی از ما طلب نمی‌کند و گاه مجبورمان می‌کند که هزینه گزافی را برای آموختن درس‌هایش بپردازیم. در جریان «مست عشق» اگر در آینده وضعیت بر وفق مراد ما نباشد و طرف ترکیه‌ای موفق شود فیلم را به نام خود در دنیا اکران کند، آنچه ما از دست داده‌ایم تنها زحمت چند ساله گروه ایرانی تولید فیلم سینمایی «مست عشق» نخواهد بود، بلکه هزینه بالاتری مانند اینکه «ترک‌ها راست می‌گویند، مولانا اساساً ایرانی نیست، چرا که اگر بود ما مرتکب چنین سوتی بزرگ تاریخی نمی‌شدیم و فیلمی که درباره شاعر بزرگ سرزمینمان است را با دست خودمان تحویل کشور ترکیه نمی‌دادیم تا بتواند از پلان به پلان و سکانس به سکانس آن به نفع خود استفاده کند»، در عرصه جهانی نصیبمان خواهد شد.



## آفتاب سینما

### پایان ضبط «آفرود»

فیلمبرداری فیلم سینمایی «آفرود»، اولین فیلم بلند سینمایی پناه پناهی در مقام نویسنده و کارگردان به پایان رسید. این فیلم حکایت از سفر خانواده‌ای دارد که در بدو امر مقصدی نا معلوم را در دل طبیعت پیش می‌گیرند. پناه پناهی، حسین معجونی، رایان سرلک، امین سیمیار و بهرام ارک نقش‌های اصلی این فیلم را بر عهده دارند. فیلمبرداری آفرود از ۲۴ شهریور در استان‌های آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل شرایط MGM بررسی این امکان است که آیا می‌تواند با فروش این فیلم به فروش‌های مناسبی پیش از این فیلم «آفرود» در جشنواره فیلم فجر خواهد بود. به گزارش ایلنا، پناه پناهی پیش از این فیلم «کوتاه فیلم اول» را ساخته بود که در جشنواره‌های مختلف داخلی و خارجی نمایش‌های موفق داشته است.



## آنچه مهم است اینکه همه ما باید به درس‌هایی که روزگار در طول تاریخ به ما می‌دهد توجه کنیم و از تک‌تک آنها عبرت بگیریم. درس‌هایی که روزگار گاه بابتش چیزی از ما طلب نمی‌کند و گاه مجبورمان می‌کند که هزینه گزافی را برای آموختن درس‌هایش بپردازیم. در جریان «مست عشق» اگر در آینده وضعیت بر وفق مراد ما نباشد و طرف ترکیه‌ای موفق شود فیلم را به نام خود در دنیا اکران کند، آنچه ما از دست داده‌ایم تنها زحمت چند ساله گروه ایرانی تولید فیلم سینمایی «مست عشق» نخواهد بود، بلکه هزینه بالاتری مانند اینکه «ترک‌ها راست می‌گویند، مولانا اساساً ایرانی نیست، چرا که اگر بود ما مرتکب چنین سوتی بزرگ تاریخی نمی‌شدیم و فیلمی که درباره شاعر بزرگ سرزمینمان است را با دست خودمان تحویل کشور ترکیه نمی‌دادیم تا بتواند از پلان به پلان و سکانس به سکانس آن به نفع خود استفاده کند»، در عرصه جهانی نصیبمان خواهد شد

ترجیح می‌دهد در اتیوپی تولید کند، در درجه دوم اهمیت است، آنچه مهمتر است چرایی چنین تصمیماتی است. حال می‌توان بیان کرد آمریکا هالیوود دارد و تولید فیلم در آنجا با بازیگران مطرح هالیوودی می‌تواند موجب پیشرفت سینمای ایران شود. اسما واقعا سینمای ترکیه که خودشان اذعان دارند سینمای ایران موجب فخر و مباهات آنهاست چه دارد که کارگردانی مانند حسن فتحی یا آن سابقه خوب و درخشان در تولید آثار تصویری برای تولید یک پروژه کاملاً ایرانی راضی به همکاری با آنها می‌شود؛ و به جز یک دلیل که آن هم قرار گرفتن مزار مولانا در شهر قونیه ترکیه است آیا می‌توان دلیل دیگری برای چنین همکاری‌ای پیدا کرد؟ و آیا این دلیل موجهی برای صورت گرفتن یک همکاری است؟ آیا نمی‌شد تمام صفر تا صد تولید پروژه ایرانی باشند و تنها برای ضبط لوکیشن‌هایی (مانند مزار مولانا) «اگر در فیلم باشند» که در مکانشان ترکیه است به این کشور سفر کرد و فیلمبرداری را انجام داد؟ آیا در صورت انجام چنین کاری اکنون راش‌های «مست عشق» دست خودمان نبود؟ وقتی ما می‌توانیم لوکیشن مکه را برای سریال «مختارنامه» بسازیم نمی‌توانیم لوکیشن‌های مورد نظرمان را برای فیلم سینمایی مانند «مست عشق» بسازیم؟ چطور ممکن است؟ دقیقاً معلوم نیست که علت همکاری سینمای ایران با سینمای ترکیه برای تولید فیلمی مانند «مست عشق» چه بوده که حال این اوضاع و احوال برای چنین پروژه‌ای شبیه آمده است؟ وقتی ما خودمان پتانسیل تولید هر نوع سریال و فیلم سینمایی را داریم چرا باید افتخار جهانی چنین تولیداتی را به کشورهای دیگر شریک شویم؟ برای حضور بهتر سینمای ایران در مجامع بین‌المللی؟ برای اینکه بگوییم ما به عنوان یک کارگردان یا تهیه‌کننده انقدر کارمان خوب شده که مرزهای سرزمینمان را در نوردیده و به هنرمندی بین‌المللی تبدیل شده ایم؟ یا چون سینما در دنیا به سمت تولیدات مشترک می‌رود ما هم برای اینکه از این قافله عقب نمانیم دست به چنین همکاری‌هایی می‌زنیم؟

۵- آنچه مسلم است اینکه تا چند وقت دیگر سرنوشت «مست عشق» روشن خواهد شد. با طرف ترکیه‌ای موفق می‌شود حرفش را به کرسی بنشاند و فیلم را علیرغم اینکه تعدادی از سکانس‌های باقیمانده در دنیا اکران کند و سند دیگری را مبنی بر خبر کذب ترکیه‌ای بودن مولانا به مجامع جهانی ارائه کند که در صورت رخ دادن چنین اتفاقی ما ایرانیان سرشنده سینما و ادیبانمان خواهیم شد و با طرف ایرانی با گفت‌وگوهای مختلف طرف ترک را متقاعد خواهد کرد که در همکاری‌های مشترک خصوصاً زمانی که وزن سرمایه‌ای یک طرف (هم به لحاظ محتوایی، هم به لحاظ نیروی انسانی و هم به لحاظ منابع مالی) بیشتر است، تمام مسائل باید مورد رضایت دو طرف باشد و این همکاری تا پایان ادامه داشته باشد و به این صورت خطر اکران جهانی «مست عشق» توسط ترکیه و به نام ترکیه منتفی خواهد شد و یا اتفاق دیگری که امروز نمی‌توان آن را پیش‌بینی کرد رخ خواهد داد. اما آنچه مهم است اینکه همه ما باید به درس‌هایی که روزگار در طول تاریخ به ما می‌دهد توجه کنیم و از تک‌تک آنها عبرت بگیریم. درس‌هایی که روزگار گاه بابتش چیزی از ما طلب نمی‌کند و گاه مجبورمان می‌کند که هزینه گزافی را برای آموختن درس‌هایش بپردازیم. در جریان «مست عشق» اگر در آینده وضعیت بر وفق مراد ما نباشد و طرف ترکیه‌ای موفق شود فیلم را به نام خود در دنیا اکران کند، آنچه ما از دست داده‌ایم تنها زحمت چند ساله گروه ایرانی تولید فیلم سینمایی «مست عشق» نخواهد بود، بلکه هزینه بالاتری مانند اینکه «ترک‌ها راست می‌گویند، مولانا اساساً ایرانی نیست، چرا که اگر بود ما مرتکب چنین سوتی بزرگ تاریخی نمی‌شدیم و فیلمی که درباره شاعر بزرگ سرزمینمان است را با دست خودمان تحویل کشور ترکیه نمی‌دادیم تا بتواند از پلان به پلان و سکانس به سکانس آن به نفع خود استفاده کند»، در عرصه جهانی نصیبمان خواهد شد.

۳- هم حسن فتحی به عنوان کارگردان و هم فرهاد توحیدی به عنوان یکی از نویسندگان در اظهاراتشان بیان کرده‌اند که علت توقف فیلمبرداری و ضبط نکردن ۸ سکانس باقیمانده شرایط کرونا بوده است. (توجه کنید سرمایه‌گذار ترکیه‌ای می‌گوید حسن فتحی ده ماه سرراغ پروژه‌اش را نگرفته) این در حالیست که اگر آقای کارگردان می‌خواستند، می‌توانست در دوران کرونا علاوه بر اینکه حداقل سراغ فیلمش را بگیرد، طرف ترکیه‌ای را نیز مجاب کند که باید فیلمبرداری ۸ سکانس باقیمانده را به پایان برسانیم. مگر در کشور ما در همین شرایط کرونايي با رعایت پروتکل‌های بهداشتی کارگردانان خوششان تولید فیلم‌هایشان نیستند؟ نمونه بارز داوود میرباقری که در سخت‌ترین شرایط فیلمبرداری پروژه «سلمان فارسی» را تعطیل نکرده است. جانب اینجاست که حسن فتحی در حالیکه هنوز پروژه «مست عشق» را به دلیل شرایط کرونايي به پایان نرسانده، تصمیم به ساخت سریال «جبران» برای شبکه نمایش خانگی گرفت، حال اینکه چطور نمی‌توان در شرایط کرونايي ۸ سکانس باقیمانده «مست عشق» را فیلمبرداری کرد اما می‌توان یک سریال چندین قسمتی را از ابتدا تا انتها تولید کرد، خودش سوال بسیار بزرگی است که جویاش را کارگردان سریال «شهرزاد» باید بدهد.

۴- چند سالی است که فیلمسازان سینمای ایران علاقه‌مند شده‌اند تولید پروژه‌های سینمایی خودشان را با همکاری کشورهای دیگر کلید بزنند. یکی تصمیم می‌گیرد فیلمش را در کشور هند بسازد، دیگری می‌خواهد با آمریکایی‌ها همکاری کند، آن یکی دلش هوس فیلمسازی در کشور ویتنام را کرده و دیگری از بازیگر ترکیه‌ای برای حضور در پروژه‌اش دعوت می‌کند. در این وانفسا فضای مجازی هم شده محملی برای انتشار شایعاتی که حتی بیان کردندان خنده دار است. «انجیلینا جولیا با سینمای ایران همکاری می‌کند»، «امیتاب باچان برای حضور در یک فیلم سینمایی به ایران می‌آید»، «برد پیت در آرزوی بازی یک فیلم ایرانی» و... بعضی از این خبرها شایعه‌ای بیش نبودند و انصاف بعضی هایشان هم واقعی، مانند همکاری پنه لوبه کروز و خاور باردم در فیلم سینمایی «همه می‌دانند» به کارگردانی اصغر فرهادی که تازه آن هم محصول کشور اسپانیا بود. اما نکته مهم در این موضوع چگونگی رخ دادن چنین همکاری‌هایی نیست، بلکه چرایی رخ دادن آنهاست. به سخن دیگر اینکه مثلا علی عطشانی فیلمش را در آمریکا می‌سازد و اینکه شهاب حسینی در آمریکا کمپانی تولید فیلم راه می‌اندازد و اینکه قربان محمديور

## تفلیکس و اپل در کمین «جیمز باند»

اپل، تفلیکس و دیگر سرویس‌های استریم در تلاشند فیلم «زمانی برای مردن نیست» به‌عنوان جدیدترین فیلم به‌مجموعه فیلم‌های جیمز باند است را که قرار بود آوریل گذشته اکران شود، برای عرضه اینترنتی بخرند. در حالی که زمان اکران این فیلم در آن برای آخرین بار می‌توان دنبال کریک را در نقش جیمز باند دید تاکنون چند بار به ترویج افکار آن تعیین شده است. حالا گفته شده استودیو MGM به دلیل این به‌ترویج افکارها تاکنون بین ۳۰ تا ۵۰ میلیون دلار منظر شده است. در عین حال استودیوهای دیگر مانند پارامونت، سونی با فروش فیلم‌هایی چون «سگ تازی»، «بدون پشمیانی» و «سفر به آمریکا ۲» به سرویس‌های استریمینگ ده‌ها میلیون دلار



## آفتاب شاهنامه‌خوانی

### پادشاهی نوذر

چو سوگ پدر شاه نوذر بداشت ز کیوان کلاه کیسی بر فراشت بنخت منوچهر بر بار داد بخواند انجمن را و دینار داد برین بر نیامد بسی روزگار که بیدادگر شد سر شهزبار ز گیتی بر آمد بهر جای گو جهان را کهن شد سر از شاه نو چو او رسمهای پدر در نوشت ابا موبدان و ردان تیز گشت همی مردمی نزد او خوار شد دلش برده گنج و دینار شد کدیور یکایک سپاهی شدند دلبران سزاوار شاهی شدند چو از روی کشور بر آمد خروش جهانی سراسر بر آمد به جوش بتزسید بیدادگر شهزبار فرستاد کس نزد سام سوار بسگسار مازندران بود سام فرستاد نوذر بر او پیام خداوند کیوان و بهرام و هور که هست آفریننده پیل و مور نه دشواری از چیز برتر منش نه آسانی از اندک اندر پوست همه با توانایی او یکبست اگر هست بسیار گر اندکیست کنون از خداوند خورشید و ماه ثنا بر روان منوچهر شاه که بر سام یل باد چندان درود که آید همی ز بار باران فرود مران پهلوان جهان دیده را سر افراز گرد پسندیده را همیشه دل و هوش آباد باد رواشت ز هر درد آزاد باد شناسد مگر پهلوان جهان که تا آشکار و نهان ز سام مژگان بهم بر نهاد ز تاسم تریمان بسی کرد یاد همیدون مرا پشت گرمی بدوست که هم پهلوانست و هم شاه دوست نگهبان کشور بهنگام شاه زویست رخشنده فرخ کلاه کتون پادشاهی پر آشوب گشت سخن‌ها از اندازه اندر گذشت اگر بر نگیرد وی آن گرز زمین ازین تخت پردهخته ماند زمین جز نامه بر سر سام نیم رسید یکی باد سرد از جگر بر کشید یکی لشکری را اند از گرسگسار که دریای سبز اندرو گشت خوار چو نزدیک ایران رسید این سیه پذیره شدندش بزرگان برهه پیاده همه پیش سام دلیر برفتند و گفتند هر گونه دیر ز بیدادی نوذر تاجور که بر خیره گم کرد راه پدر جهان گشت ویران ز کردار اوی غنوده شد آن بخت بیدار اوی بگردد همی از ره بخردی ز دور شد فره ایزدی

## آفتاب کوتاه‌ها هنر

### «پوست» در انگلیس

فیلم سینمایی «پوست» به کارگردانی بهمن و بهرام ارک و تهیه‌کنندگی محمدرضا مصباح در اولین حضور جهانی خود در سی و چهارمین جشنواره فیلم «لیدز» به نمایش درخواهد آمد. به گزارش صبا، جشنواره فیلم «لیدز» از ۱۴ تا ۲۹ آبان‌ماه در انگلستان برگزار خواهد شد.



### میرکرمی کرونا گرفت

رضا میرکرمی که به تازگی پروانه ساخت فیلم «گنجهان شب» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی خود را دریافت کرده بود، به همراه سه تن از اعضای خانواده‌اش به کووید-۱۹ مبتلا شد و این او بر پیش تولید این فیلم نیز به تعویق افتاد. به گزارش سینماسینما، میرکرمی در حال سبزی کردن این بیماری در خانه است.

### پایان ضبط «بدون همه چیز»

فیلمبرداری فیلم سینمایی محسن قزایی با نام موقت «بدون همه چیز» پس از سه ماه در گرمسار به پایان رسید. «بدون همه چیز» در جمله تولیدات پر بازیگر و پر لوکیشن اسمال سینمای ایران است که با رعایت کامل پروتکل‌های بهداشتی در تهران، کندر و گرمسار جلوی دوربین رفت. به گزارش صبا، پایان فیلمبرداری، به زودی مراحل فنی فیلم آغاز می‌شود تا نخستین نمایش «بدون همه چیز» در صورت مناسب بودن شرایط در سی و نهمین جشنواره فیلم ملی فجر باشد.

## «جیج» رنگ باخته احیا شد

تابلو «جیج» که رنگ‌های رو به فرسایش گذاشته بود، اکنون بار دیگر احیا شده و به حالت دیگر بازگشته است. به گزارش ایسنا به نقل از الجزیره، تابلو «جیج» معروف‌ترین اثر ادوارد مونک نقاش نروژی است. در این تابلو مشهور شخصی در مرکز نقاشی ایستاده و در حالی که سرش را میان دو دست گرفته، فریاد می‌زند. شخص مضطرب در اسلو پایتخت نروژ و نزدیکی تنگه کریستینا ایستاده است. خورشید در حال غروب کردن است و رنگ‌های قرمز و زرد بر تابلو چیره شده‌اند. مونک درباره این نقاشی توضیح داده است: روزی در حال پیاده روی بودم. شهر در سوئی بود و در زیر پایم آبره قرار داشت. احساس خستگی و بیماری کردم. به آن سوی آبره خیره شدم؛ خورشید در حال غروب کردن بود و



است تا قدرت رنگ‌ها را نمایش دهد اما در ترکیب رنگ‌های مختلف سبب شده تا بر مرور زمان رنگ‌ها تغییر شکل داده و فرسایش پیدا کنند. به گزارش ایسنا، یکی دیگر از دلایل فرسایش رنگ‌های تابلو این است که این اثر هنری مدت‌ها در موزه مونک به نمایش گذاشته شده و بازدیدکنندگان از نزدیک به مشاهده آن پرداخته‌اند و رطوبت حاصل از تنفس آن‌ها به تابلو آسیب رسانده است.